

منبعیت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «شهرت»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۸۱-۵۲۸۸-۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶	
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸	
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی	
عضو انجمن مدیران رسانه	
عضو تعاونی مطبوعات	

حدود ۲ سال از شروع ریاست جمهوری مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت چهاردهم می‌گذرد؛ دوره‌ای که با فراز و فرودهای بسیار همراه بوده و تحولات زیادی چه از منظر سیاسی و چه از منظر اقتصادی به وقوع پیوسته است. هر کدام از این تحولات بر اقتصاد کشور تاثیرگذار بوده و اهمیت بسیاری در زندگی و معیشت ایرانیان داشته است. برای اینکه بتوان کارنامه دولت چهاردهم را مورد بررسی قرار داد، راهی به غیر از مراجعه به آمار و ارقام وجود ندارد؛ ارزیابی سیاست‌های دولت از آنجایی حائز اهمیت است که می‌تواند چشم‌انداز آینده را بهتر به تصویر کشیده و همچنین مسئولان را در مقابل مطالبات جامعه پاسخگو تر کند. از همین‌رو نویسنده در این گزارش با بررسی شاخص‌های مانند رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، نرخ تورم و رشد نقدینگی تصویری هرچند کلی اما به نسبت دقیق از آنچه که در طول دوره ریاست جمهوری پزشکیان ارائه داده است، البته در این میان به حوادث و تحولاتی که نیسی از دوره دولت چهاردهم را تحت تاثیر قرار داده نیز در انتها پرداخته خواهد شد.

دولت چهاردهم در مرداد سال ۱۴۰۳ سکان هدایت قوه مجریه را به‌دست گرفت. در آن موقع رشد اقتصادی که توسط مرکز آمار اعلام شده بود در بهار معادل ۴٫۷ درصد بود. در بهار حجم اقتصاد کشور نسبت به بهار ۱۴۰۲ حدود ۳٫۱ درصد رشد کرده و در پاییز و زمستان ۱۴۰۳ نیز رقم رشد اقتصادی به ترتیب ۱٫۷ درصد و ۲٫۸ درصد محاسبه شد. بنابراین در نمایی کلی روند رشد اقتصادی کشور از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا انتهای این سال نزولی بوده است. در سال گذشته یعنی ۱۴۰۴ روند رشد اقتصادی کشور نسبت به سال ۱۴۰۳ حتی بدتر نیز شد. در بهار رشد اقتصاد ایران

شاخصی که می‌تواند نمایانگر قدرت خرید ایرانیان باشد بلاشک رشد شاخص نرخ مصرف‌کننده یا همان تورم است. با این‌حال عامل اصلی شکل‌دهنده به تورم، رشد نقدینگی یا افزایش نرخ چاپ پول در اقتصاد است. رشد نقدینگی موجب شکل‌گیری تورم‌های پادیر و باثبات بوده که این موضوع جدای از اعداد و ارقام خود را در آب رفتن مداوم قدرت خرید مردم نشان می‌دهد. بنابراین قبل از پرداختن به آمار تورم در دوره مسئولیت دولت چهاردهم، به سراغ روند رشد نقطه‌ای نقدینگی می‌رویم. از مرداد سال ۱۴۰۳ تا اسفندماه سال ۱۴۰۴ آنچه که نمودار رشد

آغاز به کار دولت چهاردهم در مرداد ۱۴۰۳ با تورر اسماعیل هنیه توسط اسرائیل همزمان شد. سپس عملیات وعده صادق دو به وقوع پیوست. بعد از این اتفاق نیز در آبان ۱۴۰۳ در امریکا دونالد ترامپ رقیب خود کاملا هریس را شکست داد و بار دیگر به عنوان رئیس‌جمهوری ایالات متحده برگزیده شد. سپس زمانی که ترامپ به‌طور رسمی وارد کاخ سفید شد مذاکرات هسته‌ای میان ایران و امریکا بر گزار شد؛ مذاکراتی که به سرانجامی موفقیت‌آمیز نرسید و در خرداد سال ۱۴۰۴ با حمله اسرائیل به کشور رسماً شکست‌خورده محسوب می‌شد.

بنابراین تا اینجا می‌توان گفت که در یک سال اول ریاست جمهوری پزشکیان تنش‌های خارجی بر تمام اقتصاد کشور سایه افکنده بود. اما این تمام ماجرا نیست. آنچه بعدتر رخ داده چیزی شبیه به فاجعه است. در فاصله جنگ ۱۲روزه تا دی ۱۴۰۴ نااطمینانی و جنگ همچنان بر اقتصاد کشور سایه افکنده بود. در دی‌ماه سال گذشته دولت به علت وضعیت بحرانی ذخایر ارزی که در نتیجه تحریم‌ها و مشکلات مربوط به خرید و



آتش‌سوزی در میدان شهرداری گرگان

منبع: مهر



سقوط رشد اقتصادی

منفی ۰٫۲ درصد، در تابستان ۰٫۵ درصد، در پاییز ۲٫۷ درصد و در زمستان منفی ۲٫۲ درصد برآورد شد.وضعیت بازار کار کشور نیز تعریف چندانی نداشته است. نرخ مشارکت اقتصادی در تمام فصول سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ پایین‌تر بوده است. این مقایسه از آنجا اهمیت دارد که داده‌های بازار کار به شدت تحت تاثیر شرایط فصلی هستند و زمانی که نرخ مشارکت اقتصادی در یک فصل نسبت به فصل مشابه در سال قبل کمتر برآورد شده و این امر در تمام فصل‌ها نیز صادق بوده به این ترتیب می‌توان گفت تمایل افراد برای حضور در بازار کار کاهش یافته و امید به

قدرت خرید به‌طور بی‌سابقه‌ای ضعیف‌تر شد

نقطه به نقطه نقدینگی تنها و تنها یک چیز را نشان می‌دهد؛ اینکه رشد نقدینگی از کنترل بانک مرکزی خارج شده و به عبارتی افسار پاره کرده است. رشد نقطه به نقطه نقدینگی که در مرداد ۱۴۰۳ معادل ۲۸٫۴ درصد بوده، در اسفند سال گذشته به ۵۳٫۳ درصد رسیده که رکوردی تاریخی به حساب می‌آید. کسری بودجه دولت در این بین و نیاز فزاینده دولت به منابع مالی دلیل اصلی این رشد افسار گسیخته نقدینگی است. ولخرجی دولت و تأمین منابع خود از طریق شبکه بانکی که در نهایت به افزایش تاریخی چاپ پول یا همان رشد نقدینگی منجر شده، بیش از هر چیز بر

دولت چهاردهم در محاصره آتش جنگ

فروش نفت کاهش شدیدی را تجربه کرده بود، اقدام به حذف ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی کرد.

موضوعی که موجب ایجاد یک شوک قیمتی در اقلام اساسی مورد نیاز خانوار شده و با وجود تلاش دولت برای جبران کاهش قدرت خرید مردم از طریق طرح کالاپرگ الکترونیکی با اعتراضاتی گسترده در کف جامعه مواجه شد. هنوز اقتصاد ایران از این شوک عبور نکرده بود که در ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ ارتش امریکا و اسرائیل به کشور حمله کردند و جنگی را آغاز کردند که ۴۰ روز به طول انجامید.

در این جنگ علاوه بر اینکه رهبری و برخی مقامات بلندپایه نظام به شهادت رسیدند، به نهادها و ارکان نظامی کشور آسیب وارد شد، صنایع و بنگاه‌های اقتصادی نیز با خسارات فراوانی چه فیزیکی و چه غیرفیزیکی روبه‌رو شدند. به این ترتیب دولت پزشکیان در عمر دو ساله خود دو جنگ را پشت سر گذاشته و در کنار این دو جنگ با فشار تحریم‌های طولانی و انباشت بحران‌های ساختاری کشور نیز مواجه بوده است.

یافتن شغل کمرنگ‌تر شده است.

از طرف دیگر نرخ بیکاری براساس آخرین آمار گزارش شده توسط مرکز آمار در بهار امسال معادل ۹٫۱ درصد برآورد شده و که نسبت به برآورد این شاخص در بهار سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ بیشتر بوده است.

بنابراین در یک کلام می‌توان گفت که نه تنها مشارکت مردم در بازار کار و امید به پیدا کردن شغل کمتر شده بلکه افرادی که در تلاش برای رسیدن به شغل بوده‌اند نیز به نسبت ناکام‌تر مانده و به هدف خود نرسیده‌اند.

آتش تورم می‌دمد.

تورم سالانه اقتصاد ایران که البته با تاخیر افزایش شاخص قیمت‌ها را در خود منعکس می‌کند، در تیرماه امسال به رقم تاریخی ۶۶ درصد رسید. رقمی که از جنگ جهانی دوم به بعد در تاریخ اقتصاد ایران بی‌سابقه بوده است. این‌ها درحالی است که تورم سالانه در زمان آغاز به کار دولت چهاردهم برابر ۳۴٫۸ درصد بود. بنابراین به‌طور کلی در مدتی که دولت پزشکیان در راس امور قرار گرفته، قدرت خرید مردم نیز به طرز بی‌سابقه‌ای تضعیف شده است.

از همین‌رو عملکرد دولت چهاردهم در کنار تحولاتی که اتفاق افتاده بهتر قابل ارزیابی و قضاوت است. هر آنچه که در این دو سال دولت پزشکیان بر اقتصاد کشور گذشته نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در سراسیبی خطرناکی گرفتار شده است. ترکیبی از تورم‌های بالا، رشد اقتصادی پایینی و وضعیت نامطلوب بازار کار می‌تواند آینده اقتصاد ایران را از منظر سرمایه‌گذاری، فرصت‌های رشد و رفاه بین نسلی با عواقبی منفی مواجه کند. بنابراین فارغ از اینکه چه دولتی بر سر کار است، آنچه اهمیت دارد تغییر مسیر سیاستگذاری کشور با هدف تحقق رشد اقتصادی پادیر و ثروت‌آفرینی است.

سخن پایانی

دو سال پس از آغاز به کار دولت چهاردهم، آمارهای رسمی از اقتصادی حکایت دارند که زیر سایه جنگ، تحریم و شوک‌های پیاپی، با افت رشد، جهش تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها دست‌وپنجه نرم کرده است.

بازنگری در مفهوم «کارآمدی»



شیدا آزابیی بور پژوهشگر حقوقی

هفته دولت معمولاً فرصتی است برای ارائه کارنامه، بیان دستاوردها و تشریح برنامه‌های آینده. اما اگر قرار باشد این مناسبت فقط به فهرستی از افتتاح پروژه‌ها، آمارها و سخنرانی‌های رسمی محدود شود، بخش مهمی از واقعیت جامعه نادیده گرفته خواهد شد. واقعیت این است که امروز دولت با مجموعه‌ای از مشکلات به‌هم‌پیوسته مواجه است؛ از فشارهای اقتصادی و تبعات جنگ گرفته تا بیکاری، کاهش قدرت خرید، ناترازی‌های اقتصادی و محدودیت منابع. در چنین شرایطی، نقد دولت ضروری است؛ اما نقد منصفانه باید میان «شفع مدیریت» و «محدودیت اختیار» تفاوت قائل شود. دولت را نمی‌توان از پاسخگویی معاف کرد. مردم نتیجه‌نهایی سیاست‌ها را در زندگی روزمره خود می‌بینند؛ نرخ کالاها، وضعیت اشتغال، مسکن، سرمایه‌گذاری، خدمات عمومی و آینده فرزندانشان. بنابراین طبیعی است که از دولت انتظار داشته باشند برای این مسائل راه‌حل داشته باشد. اما پرسش مهم‌تر این است: آیا دولت برای همه این مشکلات اختیار و ابزار کافی در اختیار دارد؟

پاسخ، دست‌کم در بسیاری از حوزه‌ها، منفی است.

اقتصاد ایران امروز فقط با تصمیم یک وزارتخانه یا حتی یک دولت قابل اصلاح نیست. بخشی از مشکلات به ساختار بودجه، ناترازی بانک‌ها، سیاست‌های ارزی، تحریم‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری، محدودیت تجارت خارجی، فرسودگی زیرساخت‌ها و تصمیمات متعدد و بعضاً موازی در سطوح مختلف مربوط است. وقتی مسئولیت‌ها متمرکز نیست اما پاسخگویی متمرکز است، نتیجه طبیعی آن ایجاد شکاف میان «مسئولیت» و «اختیار» خواهد بود.

این همان نقطه‌ای است که باید با صراحت درباره آن صحبت کرد.

اگر قرار است دولت بابت اشتغال پاسخگو باشد، باید امکان سیاست‌گذاری مؤثر برای سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت را داشته باشد. اگر قرار است درباره تورم پاسخگو باشد، باید بتواند بر کسری بودجه، نظام بانکی، سیاست‌های پولی و مالی و هزینه‌های دولت اثر واقعی بگذارد. اگر قرار است قدرت خرید مردم حفظ شود، سیاست اقتصادی باید از هماهنگی و ثبات برخوردار باشد.

در شرایط جنگی، این مسئله اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

اقتصاد در شرایط جنگی با اقتصاد عادی تفاوت دارد. در این وضعیت، بخشی از منابع باید صرف حفظ امنیت و تاب‌آوری کشور شود، زنجیره تأمین ممکن است آسیب ببیند، سرمایه‌گذاری با ریسک بیشتری مواجه می‌شود و بنگاه‌ها برای تصمیم‌گیری درباره آینده محتاط‌تر می‌شوند. بنابراین انتظار ایجاد اشتغال گسترده با نسخه‌های معمول اقتصادی، واقع‌بینانه نیست. اما این به معنای کنار گذاشتن مسئله بیکاری هم نیست. اتفاقاً در شرایط جنگی باید تعریف ما از اشتغال تغییر کند. دولت نباید فقط به استخدام دولتی یا پروژه‌های عمرانی بزرگ فکر کند. موتور اصلی اشتغال باید بخش خصوصی، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، اقتصاد دیجیتال، خدمات، صنایع صادرات‌محور و زنجیره‌های تولید داخلی باشد.

راهکار نخست، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذار بیش از آنکه از مالیات بترسد، از بی‌ثباتی می‌ترسد. تغییر مداوم مقررات، بخشنامه‌های متناقض، دشواری تأمین ارز و عدم اطمینان نسبت به آینده، سرمایه را از تولید دور می‌کند. راهکار دوم، ایجاد یک «بئجره واحد واقعی» برای تولید و سرمایه‌گذاری است؛ به‌گونه‌ای که کارآفرین برای ادامه‌داری یا توسعه یک کسب‌وکار مجبور نباشد میان دستگاه‌های متعدد سرگردان شود.

راهکار سوم، تمرکز بر بنگاه‌های کوچک و متوسط است. در شرایط محدودیت منابع، حمایت از هزاران کسب‌وکار کوچک می‌تواند اثر اشتغالی بیشتری نسبت به اجرای چند پروژه بزرگ داشته باشد. تسهیلات هدفمند، بیمه و مالیات متناسب با شرایط بنگاه، تضمین خرید، تسهیل صادرات و کاهش بروکراسی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. راهکار چهارم، اصلاح رابطه دولت با بخش خصوصی است. بخش خصوصی نباید صرفاً منبع درآمد مالیاتی یا دریافت‌کننده دستور باشد، باید شریک دولت در عبور از بحران تلقی شود.

راهکار پنجم نیز شفافیت است. دولت باید صادقانه به مردم بگوید کدام تصمیم در اختیار اوست و کدام تصمیم نیازمند هماهنگی و تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر است. این شفافیت نه‌تنها مسئولیت دولت را کم نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد. هفته دولت امسال شاید بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک بازنگری در مفهوم «کارآمدی» باشد.

کارآمدی فقط به معنای افتتاح پروژه و ارائه آمار نیست. دولت کارآمد دولتی است که بتواند در شرایط محدودیت، منابع محدود را درست اولویت‌بندی کند، تصمیم‌های سخت بگیرد، از بخش خصوصی استفاده کند، بوروکراسی را کاهش دهد و مهم‌تر از همه، اختیار متناسب با مسئولیت داشته باشد.

اگر دولت خوب عمل نکرده، باید نقد شود. اگر جایی کوتاهی کرده، باید پاسخگو باشد. اما اگر در جایی اختیار ندارد، نمی‌توان تمام هزینه آن تصمیم را نیز به پای دولت نوشت. مشکل امروز کشور نه با تعریف و تمجید حل می‌شود و نه با حمله سیاسی به دولت.

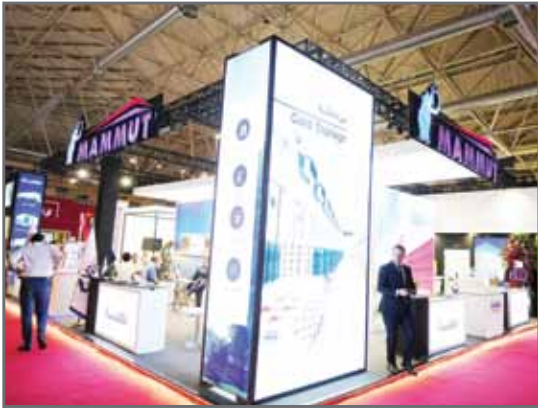
جامعه به یک قرارداد روشن نیاز دارد: مسئولیت در برابر اختیار، اختیار در برابر پاسخگویی و پاسخگویی در برابر نتیجه.

در شرایط جنگی و اقتصادی دشوار، هنر دولت این نیست که وعده‌های بزرگ بدهد؛ هنر آن است که اولویت‌های واقعی را تشخیص دهد، از ظرفیت‌های موجود استفاده کند و اجازه ندهد بحران، سرمایه اجتماعی و امید اقتصادی مردم را هم مصرف کند. هفته دولت، اگر قرار است فرصتی برای ارزیابی باشد، شاید بهترین پرسش این نباشد که «دولت چه کرده است؟»

پرسش مهم‌تر این است:

دولت برای حل مشکلات، چقدر اختیار دارد و برای همان میزان اختیار، چقدر باید پاسخگو باشد؟

پاسخ صادقانه به همین سؤال می‌تواند آغاز اصلاحی باشد که اقتصاد ایران بیش از هر چیز به آن نیاز دارد.



محصول تازه‌تر این شرکت، Space Cabine، یک قدم جلوتر می‌رود: فضایی مستقل، قابل‌جابه‌جایی و کاملاً قابل‌شخصی‌سازی که هم می‌تواند اقامتگاه شخصی باشد، هم بخشی از یک مجموعه گردشگری، ماموت ساختمان؛ نمای پیچیده و مدرن برج‌های تهران اما تولید محصول فقط نصف داستان است. در سوی دیگر، ماموت ساختمان کاری می‌کند که این محصولات و مهندسی پیچیده‌تر، در پروژه‌های واقعی پیاده شوند، از طراحی سازه گرفته تا اجرای نمای ساختمان‌های بلندمرتبه. پروژه «سامان فراز» نمونه‌ای از این سطح از مهندسی نماست؛ حوزه‌ای که در ایران بازیگران کمی واقعاً از پس آن برمی‌آیند.

چرا این ترکیب مهم است؟

تکنه اصلی این جاست که هیچ‌کدام از این دو شرکت به‌تنهایی داستان کامل یا قهرمان صنعت خود نیستند. سازه پوشش محصول را می‌سازد، ماموت ساختمان آن را در دنیای واقعی اجرا می‌کند، دقیقاً همان‌گویی که ماموت پیش‌تر در صنعت خودرو هم امتحان کرده بود: حضور یکپارچه همه زیرمجموعه‌های خودرویی‌اش زیر یک سقف در نمایشگاه بین‌المللی خودروی تهران.

حالا همین منطق دارد در صنعت ساختمان هم تکرار می‌شود؛ نشانه‌ای از این‌که ماموت به‌جای چند برند پراکنده دارد یک زنجیره کامل از تولید تا اجرا می‌سازد. شاید این خبر آن قدر که در این گجت جدید هیجان‌انگیز نباشد اما نشان می‌دهد فناوری و مهندسی پیشرفته، فقط سهم صنایع دیجیتال نیست.

